

آموزش در سرزمین‌های اشغالی سال ۱۹۴۸

«ابزاری برای در جهل نگاهداشتن فلسطینیان و ترویج اندیشه صهیونیسم»

نویسنده: مها عبدالهادی / القدس

ترجمه سیدقاسم ذاکری

◆ اشاره

اعراب ساکن در اراضی اشغالی سال ۱۹۴۸ با جمعیتی نزدیک به ۱,۲۰۰,۰۰۰ نفر، همچنان در اشکال مختلف تحت ظلم و بی‌عدالتی اشغالگران به سر می‌برند. این عده از اعراب، که به اعراب اسرائیلی معروف هستند، از لحاظ آموزشی مجبور به فراگیری دروس صهیونیستی در سیستم آموزشی یهودیان می‌باشند که موضوع این مقاله است.

از سوی دیگر، صهیونیست‌ها در نظام آموزشی فلسطینی‌ها و اعراب به اشکال دیگر نیز دست‌اندازی کرده و خواستار طرح موضوعات صهیونیستی و حذف معارف و تاریخ و تمدن فلسطینی و عربی از نظام آموزشی اعراب شده‌اند که مصداق بارز آن را می‌توان در سیطره بر ارکان «آنروا» و موضوعات درسی آن مشاهده کرد.

هم‌اکنون صهیونیست‌ها با گستاخی تمام، مطالبات خود را در سیستم آموزشی کشورهای عربی، پیگیری می‌کنند و با فشارهای همه‌جانبه درصدد فراگیر کردن آموزش صهیونیستی در منطقه هستند. شرح مفصلی از بی‌عدالتی در آموزش، بهداشت و وضعیت زندگی مردم فلسطین در اراضی اشغالی ۱۹۴۸ را نیز می‌توان در کتاب *آیین اشغالگری* نوشته عزیز حیدر، نشر مرکز مطالعات فلسطین، مطالعه کرد.



نظام فرهنگی در جامعه‌ای تندر و مانند جامعه صهیونیستی، رکن بسیار مهمی از ارکان حکومت است و به‌صورتی ویژه مورد توجه قرار دارد؛ مخصوصاً در مورد ساکنان اصلی و اولیه [فلسطین]. دولت صهیونیستی جهت محدود کردن هویت جمعی این ساکنان اولیه تلاش می‌کند از طریق تحمیل اندیشه و ایدئولوژی خلاف واقع و تثبیت و ترویج ایدئولوژی مزبور در میان ساکنان اصلی این سرزمین به اهداف خود برسد؛ این مسئله به‌ویژه در خصوص سیاست‌هایی که در قبال ساکنان اولیه و اصلی فلسطین اتخاذ می‌گردد مصداق می‌یابد.

از زمان برپایی دولت عبری کاملاً مشخص بود که سیستم و نظام آموزش و پرورش عربی از مهم‌ترین اهداف صهیونیست‌ها برای تسلط یافتن بر اقلیت عرب به‌ویژه یهودی کردن هویت نظام یادشده بوده است؛ در نتیجه صهیونیست‌ها تلاش کرده‌اند اهداف خود را از طریق استیلای کامل بر نظام آموزش و پرورش عربی دنبال نمایند تا بدین‌وسیله وانمود کنند که صهیونیسم در زمینه تربیتی، جهت‌گیری کاملاً عادی، معمولی و بی‌طرف دارد در حالی که حقایق کاملاً برعکس است. دولت عبری طی دهه‌های گذشته هیچ‌گونه تلاشی برای جذب اعراب به سوی هویت صهیونیستی نداشته است چنان‌که به ایشان نیز اجازه رشد و توسعه هویت ملی خود را از طریق روش‌های گوناگون حفظ هویت نداده است و طبیعی است که در اختیار داشتن نظام آموزشی کمترین نیاز برای حفظ هویت است.

در شرایطی که دانش‌آموز صهیونیست، ارزش‌های ملی و میراث صهیونیستی و عشق به میهن و اخلاص برای دولت صهیونیستی را فرا می‌گیرد یک دانش‌آموز عرب هیچ‌چیز از تاریخ

فلسطین و عشق به وطن خود و میراث عربی- اسلامی نمی‌آموزد. یک عرب در دولت عبری در سطحی نگاهداشته می‌شود که به صورت انسانی بی‌هویت تنها به دنبال بقای خود و دستیابی به پایین‌ترین سطح امنیت برای گذران زندگی باشد؛ همین واقعیت آشکار می‌سازد که چگونه اعراب فلسطینی ظاهراً به عنوان دانش‌آموز در نظام آموزشی حضور دارند اما عملاً، در این نظام آموزشی که دولت صهیونیستی قصد تحمیل ایده‌ها و برداشت‌های خود را به ایشان دارد، غایب هستند.

هدف: تثبیت ارزش‌های صهیونیستی

با وجود سپری شدن ۵۷ سال از تصویب قانون آموزش در رژیم صهیونیستی (در سال ۱۹۵۳) اهدافی که قانون مزبور آنها را معین کرده است همچنان تا زمان حاضر به عنوان سنگ بنای اصلی در سیاست رسمی آموزشی صهیونیستی باقی مانده‌اند. قانون یادشده که در سال ۲۰۰۰ بازنگری شده بر اساس همان اهداف خاص آموزشی در مدارس بنا شده است؛ اهدافی که متکی بر ارزش‌ها، تاریخ و فرهنگ صهیونیستی است و نسبت به ارزش‌ها، تاریخ و فرهنگ فلسطینی غفلت کرده است و این به معنای غفلت از یک چهارم جمعیت و ساکنان دولت عبری یعنی اعراب است و البته

در شرایطی که دانش‌آموز صهیونیست، ارزش‌های ملی و میراث صهیونیستی و عشق به میهن و اخلاص برای دولت صهیونیستی را فرا می‌گیرد یک دانش‌آموز عرب هیچ چیز از تاریخ فلسطین و عشق به وطن خود و میراث عربی- اسلامی نمی‌آموزد. یک عرب در دولت عبری در سطحی نگاهداشته می‌شود که به صورت انسانی بی‌هویت تنها به دنبال بقای خود و دستیابی به پایین‌ترین سطح امنیت برای گذران زندگی باشد

غفلت مزبور دقیقاً همان چیزی است که در گفت‌وگو رسمی در خصوص آموزش و پرورش در

دولت صهیونیستی بر آن مجدداً تأکید شده است. در سال ۲۰۰۱ وزیر وقت آموزش و پرورش، خانم لیفور لیفانت، تصریح کرد که آرزو می‌کند هیچ کودکی در اسرائیل پیدا نشود که آموزش لازم در مورد آموزه‌های اساسی مربوط به یهود و صهیونیسم و ارزش‌های آن را فرا نگرفته باشد. به دستور وزیر آموزش و پرورش

دولت راستگرایی که هم اکنون در اسرائیل بر سر کار است تجدیدنظری‌هایی در برنامه‌های آموزشی اعراب صورت پذیرفته است به گونه‌ای که براساس تجدیدنظری‌های یادشده تمامی آموزه‌های مربوط به نکبت یعنی دیدگاه و برداشت خاص فلسطینیان نسبت به فاجعه تشکیل نظام صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ از کتب و دروس آموزشی فلسطینیان ۴۸ حذف شده است؛ چنین عملی ابعاد سیاست پرورشی صهیونیستی در خصوص جامعه عربی و نیت منزوی ساختن اعضای این جامعه در بلندمدت را نشان می‌دهد.

به‌کارگیری و استخدام معلمان و مربیان نهایتاً از اختیارات سازمان مرکزی وزارت آموزش و پرورش صهیونیستی مستقر در قدس است و قبل از پذیرش پرسنل آموزش و پرورش عربی در کادر آموزش و تدریس، بدون آگاهی و اطلاع ایشان و به صورت نامحسوس تحت مراقبت‌ها و بررسی‌های امنیتی جهت احراز تأییدات امنیتی محرمانه از طرف دستگاه امنیت اسرائیل قرار می‌گیرند

واقع امر آن است که وضعیت جامعه عربی فلسطینی در دولت عبری، خود گویای سیاست آموزشی صهیونیستی در مورد ایشان و اهداف دولت اسرائیل در این رابطه است و هدف اصلی این سیاست وادار کردن اعراب به ذوب شدن در جامعه صهیونیستی و نابود کردن هوشیاری و هویت جمعی ایشان و حذف تاریخ اعراب از ذهن ایشان به‌ویژه چیره شدن بر خاطره جمعی جامعه فلسطینی است. از سوی دیگر دولت صهیونیستی به‌خاطر بی‌توجهی

نسبت به حل مشکلات آموزشی اعراب و توسعه ندادن برنامه آموزشی ایشان باعث تداوم وضعیت نامطلوب اقتصادی و فقر در جوامع عربی و ادامه وابستگی اقتصادی اعراب به منابع اقتصادی حاشیه‌ای در اقتصاد صهیونیستی و اقتصاد دولتی اسرائیل شده است.

اگر بخواهیم سطح کارآمدی نظام آموزشی را بررسی نماییم بر مبنای داده‌ها و عمده بررسی‌هایی که انجام

گرفته است می‌توان گفت جامعه عربی در اسرائیل همچنان متمایز از جامعه صهیونیستی است و از سطح پایین آموزشی و فرهنگی رنج می‌برد؛ این تمایز و تبعیض صرفاً محدود به تعداد افرادی نمی‌شود که شایستگی و استحقاق برخوردار بودن از داشتن مدرک دیپلم را دارند بلکه شامل کیفیت و کارآمدی آموزش و آماده کردن فرزندان اقلیت عرب فلسطینی می‌شود. از زمان تصویب قانون آموزش اجباری در کنست در سال ۱۹۴۹ که براساس آن بر حق آموزش اجباری و رایگان برای تمامی کودکان در مقطع ابتدایی تأکید شده است دولت اسرائیل نسبت به تأمین کادر معلمان شایسته و توانمند و پرداخت حقوق مناسب به ایشان و فراهم کردن مؤسسات مناسب آموزشی و تأمین هزینه این مؤسسات متعهد شده است؛ علاوه بر اینها به موجب قانون مذکور مسئولیت تنظیم محتوای کتب درسی و تعیین اهداف و راهبرد روش تدریس نیز بر عهده دولت گذارده شده است ولی نهادهای پرورشی صهیونیستی و از جمله وزارت آموزش و پرورش نسبت به برآورده نمودن نیازهای ویژه آموزش عربی غفلت کرده است و مدارس عربی از هیچ‌گونه اولویتی برای توسعه آموزشی خود برخوردار نیستند.

تفاوت میان نظام آموزشی و پرورشی صهیونیستی و نظام آموزشی و پرورشی عربی

در شرایطی که برای آموزش اعراب کمبود تقریباً ۲۰ هزار ساعت آموزشی و بیش از ۹ هزار کلاس درس و هزاران موارد دیگر وجود دارد ولی بودجه مدارس یهودی همواره رو به تزاید و امکانات آنها در بهترین وضعیت بوده است

بیشتر از تبعیض در تأمین منابع مالی است؛ همان‌طور که تبعیض آشکاری میان دو نظام آموزشی و پرورشی یادشده در اهداف و راهبردهای تدریس و در شیوه تعیین و گزینش کارکنان در بخش‌های آموزش و پرورش و برخورداری از مزایای مادی و ارتقای شغلی ایشان وجود دارد. همچنین نظام آموزشی و پرورشی عربی متأثر از برخی ملاک‌های سیاسی و امنیتی است و اقلیت عربی کمترین قدرتی برای اثرگذاری بر ملاک‌های اخیر ندارد؛ به‌عنوان مثال به‌کارگیری و استخدام معلمان و مربیان نهایتاً از اختیارات سازمان مرکزی وزارت آموزش و پرورش صهیونیستی مستقر در قدس است و قبل از پذیرش پرسنل آموزش و پرورش عربی در کادر آموزش و تدریس، بدون آگاهی و اطلاع ایشان و به‌صورت نامحسوس تحت مراقبت‌ها و بررسی‌های امنیتی جهت احراز تأییدات امنیتی محرمانه از طرف دستگاه امنیت اسرائیل قرار می‌گیرند. نماینده دستگاه امنیت در مقام رئیس کمیته تعیین مشاغل و مناصب در نظام آموزشی اعراب حضور دارد و بدون موافقت او امکان استخدام هیچ معلم یا مدیر یا بازرس مدرسه‌ای وجود ندارد. با نگاهی سریع به برخی داده‌ها می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. ۴۴٪ از کودکان عرب و ۹۵٪ از کودکان یهودی از سن ۳ سالگی وارد کودکانستان و مهدکودک می‌شوند.
۲. در شرایطی که برای آموزش اعراب کمبود تقریباً ۲۰ هزار ساعت آموزشی و بیش از ۹ هزار کلاس درس و هزاران موارد دیگر وجود دارد ولی بودجه مدارس یهودی همواره رو به تزاید و امکانات آنها در بهترین وضعیت بوده است. در چنین شرایطی با توجه به بودجه وزارت آموزش و پرورش برای سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ هیچ چشم‌اندازی برای بهبود اوضاع مدارس عربی وجود ندارد.
۳. میانگین بیسوادی نزد اعراب طی سال‌های گذشته به ۱۲٪ رسیده در حالی‌که شاخص مزبور نزد یهودیان بیشتر از ۵٪ نبوده است.
۴. در دانشگاه‌های اسرائیل از میان اقلیت فلسطینیان ۴۸ که در اراضی اشغالی سال ۱۹۴۸

ساکن می‌باشند و ظاهراً از تابعیت اسرائیلی هم برخوردار هستند و با ۱/۲ میلیون نفر جمعیت، ۱۸٪ از کل جمعیت اسرائیل را تشکیل می‌دهند، حداکثر ده نفر توانسته‌اند به عضویت هیئت‌های علمی دانشگاه‌های اسرائیلی دربیایند.



در متون درسی دینی یهودیان و داستان‌های تاریخی ایشان از اعراب به‌عنوان افرادی ترسو و جفاکار یاد شده است. توصیف اعراب به‌عنوان افرادی بزهکار و از نژاد پست‌تر و فرومایه ناشی از تفکر برتری نژادی یهودیان و تحقیر غیریهودیان است



۵. همان‌گونه که آمار و ارقام نشان می‌دهد در سال ۲۰۰۲، ۱۲٪ از افراد بزرگسال بالای ۱۵ سال در میان اقلیت عربی در اسرائیل از آموزش مدرسه محروم بوده‌اند در حالی‌که این رقم در میان صهیونیست‌ها ۴٪ بوده است. همچنین ۵۱٪ از صهیونیست‌ها موفق به اخذ دیپلم شده‌اند در حالی‌که رقم یادشده برای اعراب ۳۴٪ بوده است. تعداد

دانشجویان یهودی که در دانشگاه‌های صهیونیستی ثبت نام کرده‌اند ۳/۵ برابر دانشجویان عرب در دانشگاه‌های مذکور می‌باشد چنان‌که میزان کارکنان عرب در بخش‌های آموزشی در مقایسه با تعداد کل کارکنان این بخش بسیار اندک است.

۶. در حالی‌که بودجه آموزش و پرورش در اسرائیل در سال ۲۰۰۶ نزدیک به ۵۰ میلیارد شیکل بوده است و این مبلغ ۹٪ تولید ناخالص داخلی را در بر می‌گرفته اما با نگاهی به بودجه تخصیص‌یافته به آموزش اعراب درمی‌یابیم که وزارت آموزش و پرورش، طی سال‌های اخیر کمتر از ۱۰٪ بودجه بخش‌های آموزش و رفاه و تسهیلات اعطای کمک به دانش‌آموزان فقیر در مناطق توسعه‌نیافته و فقیر، یعنی معادل ۹۵/۹ میلیون شیکل، به آموزش اعراب اختصاص داده است.

◆ تغییر تاریخ و هویت

روند تغییر هویت اعراب فلسطینی ساکن در داخل اراضی اشغالی ۴۸ از تغییر تاریخ ایشان شروع شده است و این تغییر از طریق آنچه در متون درسی و آموزشی اسرائیل در مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش دینی به‌عنوان چهره اعراب ترسیم و ارایه شده است انجام می‌پذیرد؛ مثلاً در متون درسی دینی یهودیان و داستان‌های تاریخی ایشان از اعراب به‌عنوان افرادی ترسو و جفاکار یاد شده است. توصیف اعراب به‌عنوان افرادی بزهکار و از نژاد پست‌تر و فرومایه ناشی از تفکر برتری نژادی یهودیان و تحقیر غیر یهودیان است؛ مبنای چنین تفکری در ادبیات صهیونیستی و متون دینی و کتاب‌های قدیمی و جدید ایشان وجود دارد ضمن اینکه اخیراً تصویر ارایه‌شده از

غیریهودیان و خاصه اعراب متأثر از درگیری تاریخی صهیونیست‌ها و اعراب و بروز احساس خطر نسبت به فلسطینیان ساکن در داخل اسرائیل، زشت‌تر و خشن‌تر شده است.

اگر بخواهیم از آموزه‌های کتب دینی در اسرائیل بگذریم و به آموزش سکولار توجه کنیم درمی‌یابیم که در کتب درسی دولت

با وجود آنکه نظام ویژه آموزش عربی در اسرائیل از نظر اداری از سیستم آموزشی صهیونیستی جداست ولی نظام آموزش عربی کاملاً تحت سیطره دولت اسرائیل است

سکولار، مواضعی ملی‌گرایانه و نژادپرستانه علیه هویت عربی و اعراب اتخاذ شده است چنان‌که علاوه بر عبارت‌هایی مثل: «آنها را به صحرا بازگردانید و یهودیان را جایگزین ایشان کنید» که در یکی از این کتب درسی آمده است می‌بینیم که در قالب برخی تصاویر و متون، میان تمدن فلسطینی خلافاکار و پوسیده و تمدن صهیونیستی نو و متمدن که از اروپا آمده است مقایسه انجام گرفته است و اعراب به‌مثابه عواملی که مسبب خرابی و تباهی سرزمین

متمدن اسرائیل می‌باشند معرفی شده‌اند. این شیوه‌های نژادپرستانه ضمن موارد فراوانی از تحریف تاریخ، مثل ادعای خروج داوطلبانه اعراب فلسطینی از سرزمین و منازلشان در زمان تأسیس دولت اسرائیل، بدون هرگونه ترس و فشار از طرف سایرین ادامه دارد. این قبیل تحریف‌های تاریخی در متون و شیوه‌های آموزشی به دو منظور انجام می‌گیرد؛ هدف اول که دانش‌آموزان صهیونیست مخاطب آن هستند، هدایت این دانش‌آموزان به سوی تحقیر فلسطینیان و تمام اعراب، رشد و تقویت دشمنی نسبت به اعراب در فکر و اندیشه و وجدان دانش‌آموزان صهیونیست و ایجاد ذهنیت لزوم دفاع از سرزمین دولت اسرائیل به‌عنوان یک

وظیفه ملی و تأکید بر برتری نژادی یهودیان است. هدف دوم، دانش‌آموزان عرب هستند که با این قبیل مطالب در دروس خود مواجه می‌شوند؛ بنابراین سعی بر آن است تا در کاربرد شیوه‌های آموزشی، یک دانش‌آموز عرب نسبت به هویت عربی خود احساس شرم و خجالت کند و این‌طور تصور نماید که از تمدن،

اسرائیل همواره سعی در تضعیف هویت و وابستگی و احساس تعلق اعراب فلسطینی نسبت به هویت ملی، اسلامی، عربی و فلسطینی ایشان دارد

ملیت و دینش جدا شده و مفتخر به پیوستن به یک هویت متمدن بالاتر یهودی گردیده و تبدیل به یک شهروند صهیونیست دولت یهودی شده است. این دشمنی نسبت به اعراب و این‌گونه تحریف چهره آنها به‌رغم قراردادهای صلح میان اسرائیل و دولت‌های عربی خودگردان فلسطینی، مصر و اردن و با وجود درخواست‌های دولت‌های عربی مذکور از اسرائیل برای بازنگری در متون درسی براساس ایده صلح میان اعراب و اسرائیل همچنان ادامه دارد و تاکنون هیچ‌گونه تغییری در کتب و متون درسی صهیونیستی به‌وجود نیامده است.

با وجود آنکه نظام ویژه آموزش عربی در اسرائیل از نظر اداری از سیستم آموزشی صهیونیستی جداست ولی نظام آموزش عربی کاملاً تحت سیطره دولت اسرائیل است؛ با این

استدلال که تسلط بر منابع هوشیاری مردم، امکان مسلط شدن بر ضمیر خودآگاهی و هوشیاری این مردم و احیاناً دستکاری در محصولات فکری ایشان را فراهم خواهد کرد.

متون درسی در دولت اسرائیل کنترل می‌شود و این دولت هدایت تمام آنچه را که یک دانش‌آموز قرار است در مدرسه فرا بگیرد در اختیار خود دارد و در زمان تنظیم متون درسی به این نکته توجه می‌شود که یک دانش‌آموز در اغلب موارد متأثر از معلومات دریافتی خود از کتب درسی است؛ بنابراین متون موجود در کتب درسی برای ما روشن می‌سازد که طراحان سیاست آموزش و پرورش در اسرائیل تصمیم گرفته‌اند چه چیزی را به دانش‌آموزان عرب فلسطینی القا نمایند و آنها را از فراگیری چه چیزهایی باز بدارند و بدین‌وسیله از نظام آموزشی به‌صورت ابزار تسلط بر اذهان استفاده

◆

واقعیت آموزش در داخل اراضی اشغالی ۴۸ روشن می‌سازد که سیاست آموزشی و روش تدریس و متون درسی در جهت خاموش نگاهداشتن و از بین بردن روایت و خاطره عربی - فلسطینی از این سرزمین و تلاش برای بازیابی تجدیدنظر در فکر و برداشت دانش‌آموزان عرب قرار گرفته است تا ایشان نیز منطبق بر دیدگاه و خواست صهیونیستی به این سرزمین نگاه کنند

کنند؛ به‌عبارت دیگر اسرائیل همواره سعی در تضعیف هویت و وابستگی و احساس تعلق اعراب فلسطینی نسبت به هویت ملی، اسلامی، عربی و فلسطینی ایشان دارد.

اخیراً خانم روزلاند دعیم پژوهشگر مسائل آموزشی و پرورشی به این نتیجه رسیده است که مؤلفان کتب درسی در اسرائیل از روش‌ها و راهبردهای آموزشی متناقضی پیروی می‌کنند. در همین رابطه خانم روضه عطاءالله مدیر کل انجمن فرهنگی عربی در مقاله‌ای که به کنفرانس جمعیت فرهنگی عربی در الناصره با عنوان «عربی فرا بگیرید و به دیگران هم بیاموزید» ارایه

نمود، به موارد دخالت‌ها و دست‌اندازی‌های عامدانه صهیونیست‌ها به محتوای کتب و متون درسی اعراب در اسرائیل اشاره کرد که در راستای تلاش دولت اشغالگر برای تسلط بر چشم‌انداز توسعه جامعه فلسطینی انجام می‌پذیرد و اضافه کرد که دست‌اندازی‌های صهیونیستی به منظور شکل‌دهی نوعی وجدان و هویت «عربی-اسرائیلی» که وابستگی جامعه فلسطینی به طرح‌های صهیونیستی و دولت اسرائیل را تقویت نماید، انجام می‌گیرد.

واقعیت آموزش در داخل اراضی اشغالی ۴۸ روشن می‌سازد که سیاست آموزشی و روش تدریس و متون درسی در جهت خاموش نگاهداشتن و از بین بردن روایت و خاطره عربی-فلسطینی از این سرزمین و تلاش برای بازیابی و تجدیدنظر در فکر و برداشت دانش‌آموزان عرب قرار گرفته است تا ایشان نیز منطبق بر دیدگاه و خواست صهیونیستی به این سرزمین نگاه کنند.

منبع:

فلسطین المسلمه (ارگان حماس) // ش ۷ / جولای ۲۰۱۰.